



مجمع عمومی

شورای حقوق بشر
نشست سیزدهم
اجندای بیستم

گزارش سالانه کمیشنر عالی ملل متحد در امور حقوق بشر و گزارشات دفتر کمیشنر عالی و
سرمنشی عمومی

گزارش کمیشنر عالی در امور حقوق بشر در مورد وضعیت حقوق بشر در افغانستان و دستاورد های کمک
تخنیکی در عرصه حقوق بشر

خلاصه:

گزارش حاضر که تاسی از تصمیم 113/2 مورخ 27 نومبر 2006 میلادی شورای حقوق بشر ارائه شده، وضعیت فعلی حقوق بشر را در افغانستان بررسی میکند و حاوی پیشنهاداتی جهت رفع مشکلات گوناگون حقوق بشر می باشد. این گزارش در ادامه اطلاعات تازه ای را در مورد دستاورد های کمک تخنیکی در عرصه حقوق بشر ارائه میدهد.

سال 2009 به مثابه یک سال دشوار برای افغانستان بود، زیرا پیروزی های دشوار بدست آمده، بخصوص در عرصه حقوق بشر را مورد آسیب قرار داد. اعتماد به پروژه دولت سازی کاهش یافت، زیرا اکثر افغانها تعهد مسئولین انتخاب شده و همکاران بین المللی آنها را نسبت به حفاظت از حقوق محوری و آزادی های شان مورد سوال قرار دادند.

وخامت و گسترش درگیری های نظامی منجر به بلند ترین سطح تلفات افراد ملکی از زمان سقوط طالبان در سال 2001 و تخریب بیشتر فضای بشری گردید. با اینکه مخالفین مسلح مسئول اکثر تلفات غیرنظامی اند، تلفات ناشی از حملات هوایی نیرو های بین المللی همچنان یک مسئله برجسته و بحث برانگیز بوده که اتخاذ رهنمود های تاکتیکی جدید از سوی نیرو های بین المللی جهت کاهش تلفات افراد ملکی، اثر مثبت داشته است. حملات عناصر ضد دولتی موجب ایجاد سطوح بلند خشونت بخصوص در زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و شورا های ولایتی در ماه اگست 2009 گردید. انتخابات ریاست جمهوری که بطور گسترده یک پروسه ناقص خوانده شده باعث تضعیف بیشتر حمایت و اعتماد به دولت و همکاران بین المللی و همچنان به پروژه دولت سازی بعد از موافقتنامه بن، گردید.

با اینکه تعداد زیادی زنان خود را برای پست های دولتی کاندید نموده بودند، تهدید علیه زنان در زندگی اجتماعی و خشونت جنسی هنوز هم از نگرانی های جدی حقوق بشر می باشد. تصویب قانون احوال شخصیه اهل تشیع که بر رفتار های تبعیض آمیز علیه زنان مشرعیت میدهد، نمایانگر یک عقب نشینی برای حقوق زنان می باشد. معافیت گسترده هنوز هم حکومتداری موثر در افغانستان را تخریب میکند: در خصوص حسابدهی جرایم که با تاریخچه طولانی سوء استفاده از قدرت پیوند دارد، پشرفت اندک بدست آمده است. خبرنگاران و کارکنان مطبوعاتی هنوز هم بخاطر کار مسلکی شان مورد اذیت قرار دارند. وضعیت فقر شدید، که بر یک سوم جمعیت افغانستان تأثیر میگذارد، به علت جنگ های شدید، سوء استفاده از ساختار قدرت و معافیت تباه کننده بدتر شده است.

دفتر کمیشنر عالی در امور حقوق بشر وزارت امور خارجه را در زمینه گزارشش به بررسی ادواری جهانی شورای حقوق بشر حمایت نمود. این گزارش با چنین کیفیت بالا به مثابه یک حساب صریح از وضعیت حقوق بشر توسط کشور های دیگر مورد ستایش قرار گرفت که دیدگاه متوازی از پشرفت و همچنان چالش های پایدار در افغانستان می باشد. دفتر کمیشنر عالی در امور حقوق بشر در ابتکارات دیگر کمک تخنیکی که به تفصیل در این گزارش شرح داده شده منجمله با وزارت عدلیه و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نیز شامل بود.

محتوا

I. مقدمه

II. حفاظت افراد ملکی

- الف. عناصر ضد دولتی
- ب. نیروهای طرفدار دولت
- ت. بازداشت‌های مرتبط به جنگ

III. حقوق زنان

IV. عدالت انتقالی

V. فقر و حقوق بشر

VI. کمبود دموکراسی

- الف. انتخابات
- ب. آزادی بیان

VII. ظرفیت نهادی

- الف. نهاد سازی
- ب. پروگرام مربی‌گری کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان
- ت. وزارت عدلیه
- ث. پیگیری اقدام یا عمل شماره 2

VIII. جمع بندی

IX. پیشنهادات

I. مقدمه

1. این گزارش به تاسی از تصمیم 113/2 شورای حقوق بشر ارایه و در همکاری با هیئت معاونیت ملل متحد در افغانستان (یوناما) تهیه شده است. از زمان آخرین گزارش من، وضعیت حقوق بشر در افغانستان به مراتب چالش بر انگیز شده، بخصوص به علت تشدید درگیری های نظامی، معافیت با ریشه دار، پروسه انتخاباتی فاقد اعتبار و متهم به تقلب و همچنان تبعیض علیه زنان. افغانها برای استفاده از حقوق بشری شان با موانع جدی روبرو اند، زیرا کشور با میراث و واقعیت تداوم درگیری های نظامی و دستاورد های محدود در عرصه دموکراسی و دولت سازی در مبارزه می باشد.
2. در سال 2009، افغانستان با بدترین سطح خشونت های سیاسی نسبت به هر زمان دیگر درگیر بود. باوجود اتخاذ ابتکارات مهمی که جهت رفع مسئله تلفات غیر نظامیان، تلفات غیر نظامیان از زمان سقوط طالبان به بالا ترین حد خود رسیده بود. خشونت رو به رشد در زمان انتخابات ریاست جمهوری باعث افزایش بیشتر ناآمنی و بی اعتمادی مردم به توانایی دولت در حفاظت شهروندان اش گردید. انتخابات سیال و پر نقص همچنان باعث زیان جدی براعتامد به پروسه دموکراسی و توانایی دولت گردیده و حمایت متحدین بین المللی اش را زیر سوال برد.
3. ترکیب حکومتداری ضعیف، بی قانونی و تشدید درگیری ها باعث بلند شدن سطح جدی فقر گردیده که شامل حال 36 درصد جمعیت افغانستان میگردد. توقعات افغانها تا هنوز برآورده نشده: در این جا نیاز شدیدی برای یک حکومتداری عادلانه، موثر و حسابده می باشد تا بتواند به ساختار سوء استفاده جویانه قدرت و معافیت پایان بخشد، تا افغانها بتوانند از حقوق اساسی شان مانند حق صحت، غذا، آموزش و سرپناه مستفید شوند.
4. تصویب قانون احوال شخصیه اهل تشیع یک عقب نشینی بزرگ در عرصه حقوق زنان افغانستان است. دولت ها بر اساس قوانین بین المللی مسئولیت دارند تا خشونت علیه زنان را محو نمایند و این قانون با تعهدات بین المللی افغانستان و قوانین مترقی دیگر مانند سند خشونت علیه زنان که دولت اخیراً تصویب نموده در مغایرت می باشد. به همین دلیل من با جدیت تمام پیشنهاد نمودم تا این قانون لغو گردد. در تقویت سیستم قضایی، رعایت حاکمیت قانون به مثابه یک پیش شرط اساسی برای مبارزه با فرهنگ کهن و ریشه دار معافیت در افغانستان، اعاده عدالت و احیای اعتماد به نهاد های عامه پیشرفت کمی بدست آمده است. باز هم در سال 2009 و بصورت آشکار بخاطر بیرون کردن دلالات قدرت و متهمین نقض حقوق بشر از ادارات عامه به میکانیزم ها و دستور العمل های تقویت یافته نیاز بود. تا زمانی که این اقدامات روی دست گرفته نشود، تلاش ها برای رفع چالش های حقوق بشر که افغانستان با آن مواجه است بشمول سوء استفاده از قدرت و معافیت، بی عدالتی و فقر اساساً با شکست روبرو است.

II. حفاظت افراد ملکی

5. در سال 2009، درگیری های نظامی در افغانستان شدت بیشتر به خود گرفت که باعث افزایش تلفات غیر نظامی، تخریب ملکیت ها، تلفات مواشی و ادامه تخریب فضای بشری گردید. گسترش درگیری ها بطور گسترده بر افراد آسیب پذیر مانند زنان و کودکان تأثیر عظیم داشته و در نتیجه در مناطقی که در گذشته نسبتاً آرام و با ثبات شمرده میشد دسترسی آنها به خدمات اولیه بخصوص به صحت و آموزش را محدود ساخت.
6. دفتر کمیشنر عالی در امور حقوق بشر و یوناما در برنامه گروه حفاظت امور بشری که از سوی جامعه امور بشری در سال 2008 ایجاد شده به عنوان معاون و نهاد مسئول برای امور حفاظتی با تمرکز به اثرات مستقیم و سریع جنگ بر افراد ملکی سهم دارد. این نهاد به مثابه یک عضو کلیدی گروه حفاظت امور بشری سعی دارد تا حفاظت را در داخل دیگر سکتور ها حفظ نماید و در اولویت بندی پروژه های مرتبط با حفاظت در پلان عمل بشری بصورت فعال سهیم بوده است.
7. عناصر ضد دولتی و نیرو های طرفدار دولت بطور فزاینده عملیاتی را اجرا نمودند که زندگی افراد ملکی را به مخاطر می اندازد. سال 2009 نشاندهنده بالاترین میزان مرگ افراد ملکی از زمان سقوط طالبان در سال 2001 بوده و بخصوص ماه اگست بدترین ماه این سال بود، زیرا با خشونت های مرتبط به انتخابات همراه بود و در مجموع 333 ملکی در اثر درگیری ها کشته شدند. این مسئله بازتاب دهنده روند نا آمنی روبه رشد و همچنان خشونت های مرتبط با انتخابات می باشد. بر اساس قوانین بین المللی طرف های درگیر در یک جنگ مسئولیت دارند تا افراد ملکی را از اثرات درگیری های نظامی در آمان نگهدارند. هر دو طرف درگیر به یک جنگ باید قواعد جنگ را رعایت کنند تا افراد ملکی متحمل زحمات و اثرات جنگ نشوند.
8. از جمله 2186 کشته شده گان ثبت شده از جنوری تا نومبر 2009، 69 درصد آن به عناصر ضد دولت و 23 درصد دیگر آن به نیرو های طرفدار دولت نسبت داده میشود. هشت درصد باقیمانده را نمیتوان به هیچ طرفی نسبت داد، زیرا این افراد در نتیجه عوامل نا مشخص کشته شده اند. این آمار نمایانگر هشت فیصد افزایش نسبت به عین زمان در سال 2008 میباشد.

الف. عناصر ضد دولتی

9. در جریان سال یعنی از جنوری تا نومبر 2009، عناصر ضد دولتی با 69 درصد کشتار عامل سهم بزرگی از تلفات افراد ملکی از جنوری الی نومبر 2009 شمرده میشوند. باید گفته که 66 درصد این کشتار ها در اثر حملات انتحاری بدون تمایز و مواد منفجره تعبیه شده بوده، با ادامه حملات نامتقارن که بیشترین میزان تلفات در میان افراد ملکی را به همراه دارد. یکی از نگرانی های عمده دیگر سطح بالای کشتار، تهدید و اختطاف منظم کسانی که با دولت و یا سازمان های بین المللی کار میکنند توسط عناصر ضد دولتی می باشد. کارکنان صحی، معلمین، خبرنگاران و کارکنان ساختمانی نیز در شمار گروه های می باشد که توسط عناصر ضد دولتی مورد هدف قرار می گیرند.
10. هر چند نیرو های نظامی بین المللی و نیرو های امنیتی افغان هدف اساسی عناصر ضد دولتی می باشند، اما خیلی از حملات این عناصر در مناطق مزدحم غیر نظامی مانند بازار و راه های مزدحم صورت میگیرد که این خود بی تفاوتی آشکار به افراد بی گناه و ملکیت های آنها می باشد. به تاریخ 29 سپتمبر 2009 در اثر انفجار یک بس در مسیر تجارتي ولسوالی میوند ولایت کندهار 30 غیر نظامی کشته و 19 تن دیگر زخمی شدند. شهر کابل هم شاهد یک تعداد حملات انتحاری علیه نیرو های آیساف بود که در اثر آن تعداد زیاد غیر نظامیان کشته شده و حمله 17 سپتمبر بر نیرو های آیساف در مسیر میدان هوایی کابل یکی از این دست حملات انتحاری بود که باعث کشته شدن 20 غیر نظامی و زخمی شدن 45 تن دیگر شد. طالبان مسئولین این حمله انتحاری را به عهده گرفتند. عملیات نظامی عناصر ضد دولتی در روستا ها و دیگر محلاتی صورت می گیرد که بیشتر افراد غیر نظامی در آنجا زنده گی میکنند و این خود افراد ملکی را در معرض خطر مرگ قرار میدهد.

11. در زمان انتخابات ریاست جمهوری و شورا های ولایتی در ماه اگست 2009، وضعیت امنیتی بسیار بدتر شد و حملات و تهدیدات عناصر ضد دولتی علیه نامزدان و کارکنان انتخاباتی شدت گرفت که قصد شان اخلاص پروسه انتخاباتی و بی میل ساختن مردم حتی در محلاتی که قبلاً امن شمرده میشد بود. تنها در روز انتخابات حدود 300 رویداد از این دست ثبت شده است. به تاریخ 15 اگست در اثر یک حمله انتحاری در بیرون از مرکز فرماندهی آیساف در کابل 7 تن کشته و 90 تن دیگر زخمی شدند و بر اساس یک گزارش دیگر در اثر یک حمله مواد منفجره تعبیه شده در موتر به تاریخ 18 اگست در نزدیکی کمپ فونیکس در کابل 7 تن کشته و 50 تن دیگر زخمی شدند. در اواخر ماه اکتوبر در میان تنش های سیاسی بر اساس تأخیر طولانی نتایج انتخابات ریاست جمهوری، عناصر ضد دولتی هم بر یک مهمانخانه در کابل حمله نمودند که باعث کشته شدن 8 غیر نظامی و 5 کارمند ملل متحد و جراحت تعداد دیگر گردید. این حمله یکی از بدترین حملات علیه ملل متحد در افغانستان از زمان آغاز درگیری های نظامی می باشد.

12. بدتر شدن وضعیت امنیتی در جنوب و جنوب شرق و گسترش درگیری ها به چندین ولایت دیگر در مرکز، شمالشرق و شرق کشور باعث عواقب جدی برای وضعیت بشری در کشور گردید. علاوه بر مرگ، جراحت، تلفات و تخریب ملکیت ها، بیجا شدن و قطع دسترسی به خدمات اولیه، خیلی از نمایندگی های کمک رسان عملیات های بشردوستانه شان را به علت ناامنی گسترده و بی قانونی متوقف ساختند.

13. علیرغم درخواست های مختلف از طالبان و به دنبال سفر گزارشگر خاص در مورد کشتار های خودسرانه، دسته جمعی و غیر قانونی در سال 2008 بخاطر رعایت قوانین بشری بین المللی، استفاده از حملات بدون تشخیص شاهد افزایش قابل ملاحظه در سال 2009 بود.

ب. نیرو های طرفدار دولت

14. نیرو های طرفدار دولت مسئول 23 درصد مجموع تلفات غیر نظامی از ماه جنوری الی نومبر 2009 می باشد که 60 درصد این کشتار در اثر حملات هوایی نیرو های طرفدار دولت بوده و 14 درصد کل کشتار غیر نظامی را تشکیل میدهد. استفاده از حملات هوایی تا هنوز یکی از مرگبار ترین تاکتیک های نیرو های طرفدار دولت می باشد و به گونه مثال آنده از حملات هوایی که باعث مرگ غیر نظامیان مانند زنان و کودکان گردیده به تحریک جدی مردم منجر میشود.

15. ضرورت دوا مدار به شفافیت بیشتر نیرو های نظامی بین المللی در زمان تحقیق در مورد این گونه حوادث از وجود دارد. دو حمله هوایی بسیار برجسته اتفاق افتاد که به تلفات زیاد غیر نظامیان منجر گردید. به علت اتهام پوشش بر تلفات افراد غیر نظامی در اثر یک حمله هوایی برای نجات دو تانکر ربوته شده توسط طالبان در ولایت کندز در 4 سپتمبر 2009، چند مسئول نظامی کشور آلمان بشمول رئیس قوای بشری اردو و یک وزیر دولت استعفاء دادند. با توجه به مشکلات تشخیص میان غیر نظامیان بزرگسال و تلفات نظامیان، تشخیص تعداد واقعی کشته شدگان غیر ممکن بود؛ به هر حال یوناما تخمین زد که 40 کشته شده غیر نظامی کودکان بودند. به تاریخ 4 می یک حمله هوایی در ولسوالی بالا بلوک باعث مرگ 64 غیر نظامی گردید. با اینکه نیرو های نظامی امریکا پذیرفتند که نتوانستند تا رهنمود های نظامی داخلی را عملی کنند، یک ارزیابی مناسب قبل از حمله میتوانست مشخص کند که آیا افراد غیر نظامی تلفات میبینند و آیا لازم است تا در مناطق مسکونی از حملات هوایی کار گرفت.

16. وجود پایگاه های نظامی نیرو های بین المللی در مناطق مسکونی مانند کابل و دیگر مراکز ولایتی یکی از نگرانی های عمده شمرده میشود. وجود این گونه پایگاه ها در مناطق مسکونی میتواند با قوانین و اصول احتیاط بین المللی بشری در مغایرت باشد که هدف آن حفاظت از افراد غیر نظامی در برابر خطرات و عملیات های نظامی می باشد¹. چندین پایگاه نظامی کوچک بصورت مشترک با

¹ باید یاد آور شد که در قضیه کوپریسکیک، محکمه نظامی بین المللی یوگوسلاویای قبلی میگوید که این اصول بخشی از قانون عرفی بین المللی می باشد. قضاوت، بند 46.

نیرو های نظامی افغان و یا ادارات ملکی ولایتی در مناطق مزدحم مسکونی قرار دارند. به گونه مثال، یکی از نگرانی های مطرح شده در مورد موقعیت نیروهای بحری امریکا می باشد که در یک پایگاه کوچک با اداره ولسوالی در بازار دلآرام ولایت نیمروز قرار دارد. این موقعیت باعث تشدید تلاشی اجباری افرادی میگردد که به ولسوال میروند، زیرا میتواند خطر جدی را علیه پایگاه نامبرده ایجاد کند که در اثر چنین امر حیات و آسایش اجتماعی مردم توسط "جاسوسان" عناصر ضد دولتی برای نیرو های نظامی بین المللی به مخاطره می افتد. یکی از نکات مهم این است که آیساف و مسئولین دولت بخاطر نگرانی های مربوط به اثرات این گونه پایگاه ها بر جمعیت غیر نظامی و احتمال افزایش حملات عناصر ضد دولتی با اجتماعات آسیب دیده وارد گفتگو شوند.

17. بخاطر کاهش مرگ قابل اجتناب افراد غیر نظامی نیرو های نظامی بین المللی گامهای مهمی را هم برداشته اند. این تلاش ها شامل بهبود شفافیت ساختار فرماندهی میان آیساف و عملیات تحکیم آزادی است که اخیراً تحت فرماندهی آیساف آمده اند و ایجاد یک مرکز مشترک آیساف و نیرو های امریکایی در افغانستان می باشد. در ضمن یک رهنمود های جدید تاکتیکی به تاریخ 2 جولای صادر شد که بخاطر کاهش تلفات غیر نظامی و ادامه حمایت شهروندان افغان و بخصوص بخاطر کاهش استفاده از نیرو ها، مانند پشتیبانی هوایی در مناطق مسکونی و دیگر مناطق پرجمعیت می باشد که همچون خطری را برای نیرو های نظامی بین المللی ایجاد نمی کنند. این گونه حفاظت ها در درخواست گزارشگر خاص ملل متحد نیز انعکاس یافته که طی آن می خواهد تا قبل از انجام عملیات هوایی و تلاشی خانه ها اطلاعات را دقیق بررسی کنند تا تلفات غیر نظامی و متعاقباً انزجار عامه نسبت به این گونه حملات کمتر شود.

18. در میان همه نگرانی های مربوط به تلفات غیر نظامی، نبود پالیسی های هماهنگ میان کشور های که در افغانستان نیرو دارند در مورد مسئله پرداخت غرامت (Solatia) به قربانیان، عدم دسترسی قربانیان، آگاهی و طرح پرداخت های تسلیتی مختلف می باشد.

ت. بازداشت های مرتبط به بحران

19. پالیسی های بازداشت های مرتبط به بحران در افغانستان با توجه به نبود یک چهارچوب حقوقی منطبق با تعهدات افغانستان تحت قانون ملی و بین المللی، هنوز هم یکی از نگرانی های عمده می باشد. دفتر کمیشنر عالی در امور حقوق بشر یوناما هنوز هم دستور عمل های خاص را فرا میخواند تا مسئله انتقال زندانیان را از بازداشت گاه های تحت کنترل نیرو های نظامی مختلف به بازداشت گاه های تحت کنترل افغانها بررسی کند. در سیستم قضایی افغانستان، بازداشت شدگان اکثراً از ضمانت های محکمه عادلانه محروم هستند و مدتها نمی توانند با وکلای مدافع شان دیدار کنند. همچنان اتهامات بدرفتاری فیزیکی یا شکنجه از سوی نیرو های امنیتی افغان هم مطرح شده است. همه این مسائل میتواند نقض تعهدات حقوق بشری افغانستان شمرده شود. دولت امریکا اخیراً یاد آور شد که پالیسی های خود را در مورد بازداشت گاه بگرام بررسی میکند و در ضمن به بازداشت شدگان فرصت دهد تا اساس توقیف شان را با ارایه شواهد و مدارک در برابر بورد بررسی بازداشت شدگان مورد اعتراض قرار دهند. این اصلاحات تازه در پالیسی های بازداشت امریکا مورد استقبال قرار گرفت، اما همه این ها باید با ضمانت های واقعی مطابقت داشته باشد تا تضمین کند که فرصت مناسبی برای بازداشت شدگان داده شده تا اتهامات مطرح شده علیه شان را مورد اعتراض قرار دهند. اجازه دسترسی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به بازداشت گاه ها به رفاه بازداشت شدگان و مشروعیت پالیسی بازداشت امریکا حائز اهمیت است.

III. حقوق زنان

20. در جریان انتخابات ریاست جمهوری و شورا های ولایتی اگست 2009 شمار زنان کاندید نسبت به انتخابات قبلی بیشتر بود. اما مسئولیت دولت در رابطه به حفاظت و ترویج حقوق زنان، بخصوص رفع خشونت ها علیه زنان و دختران هنوز هم یک چالش جدی به شمار می آید. یکی از مسائل بسیار

برجسته در سال 2009، اختلاف میان قانون جدید افغانستان و ضمانت های قانون اساسی افغانستان و تعهدات حقوقی بین المللی برای حفاظت و اعمال حقوق زنان می باشد.

21. قانون احوال شخصیه تشیع که امور فردی یک شخص در جامعه تشیع مانند ازدواج، طلاق و حق وراثت را تنظیم میکند بر اساس ماده 131 قانون اساسی افغانستان می باشد. جامعه تشیع حدود 20 درصد جمعیت افغانستان را تشکیل میدهد. تصویب قانون احوال شخصیه تشیع به عقیده اکثر مردم یک معامله رئیس جمهور برای کسب حمایت عناصر محافظه کار در انتخابات ریاست جمهوری بود. این قانون که در ماه مارچ 2009 توسط رئیس جمهور امضاء شد یک بار دیگر بازنگری شد، زیرا با یک سلسله انتقادات داخلی و بین المللی روبرو شد که گویا این قانون بصورت واضح با ضمانت های قانون اساسی در ماده های (24 و 54 مغایرت دارد) و نقض تعهدات حقوقی بین المللی گنجانیده شده در میثاق جهانی محو خشونت علیه زنان است که افغانستان در سال 2003 آن را امضاء نموده و همچنان نقض میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که افغانستان در سال 1983 به آن پیوست است، در تضاد است. که شامل ماده های ذیل این قانون میشود: مسئولیت یک زن برای اجابت و فرمانداری از شوهر در مسایل جنسی؛ حقوق نابرابر در طلاق، قیمومیت فرزندان، حق وراثت و استفاده از ملکیت و محدودیت های برای حرکت یا گردش آزاد زنان.

22. قانون اصلاح شده طوری که بر اساس فرمان رئیس جمهور در جولای 2009 تصویب شد، بعضی از ماده های قبلی را دوباره اعمال نموده که هنوز هم با انتقادات شدید روبرو می باشد. باید گفت بیشتر ماده های این قانون حذف نشده بلکه به گونه دیگر بازنویسی شده است. به گونه مثال، ماده جنجال بر انگیز اطاعت زن در برابر خواسته های جنسی مرد از این قانون حذف شد. کارشناسان حقوقی افغان بر این باور بودند که ماده 162 قانون اصلاح شده می تواند از سوی شوهر بصورت موثر در نادیده گرفتن عدم علاقه زن بکار رود و شوهر ادعا کند که این " حق ازدواجی" اوست.

23. قانون احوال شخصیه تشیع بجای مبارزه با سنت های آسیب آور بر عکس برای این است تا بر اعمالی که حقوق زنان را نادیده میگیرد مشروعیت بگذارد. هر چند این قانون بصورت مسقیم بر حقوق زنان و دختران تشیع در افغانستان تأثیر می گذارد، اما میتواند راه را برای محدودیت بیشتر حقوق تمام زنان افغانستان هموار سازد و دستاورد های دشوار ما را در تلاش برای مبارزه با خشونت و تبعیض علیه زنان افغانستان به مخاطره بیاندازد.

24. قانون جدید مشمول قانون محو خشونت علیه زنان است: که نماینگر یک انکشاف مهم برای حفاظت و توسعه حقوق زنان است. با اینکه در جولای مطابق فرمان رئیس جمهور توشیح شده، اما باید توسط پارلمان هم تصویب شود. این قانون تجاوز جنسی و همچنان ازدواج زود هنگام و اجباری و دیگر اشکال خشونت علیه زنان را جرم می داند. تحلیل ها از سوی ناظرین داخلی و بین المللی نشان داد که از دیدگاه تخنیکی قانون نمی تواند اهداف عنوان شده را عملی کند. تعریفات مبهم که عاری از موضوع جنسیت بوده و همچنان اشاره های نامناسب به قانون موجود مانند قانون جزاء، میتواند در تطبیق آن مشکلاتی را ایجاد کند. یوناما و دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرایم ملل متحد یک بررسی کامل از این قانون را انجام داده و همراه با همکاران ملی یک سلسله تعدیلات را پیشنهاد نمودند که برای جلوگیری خشونت علیه زنان موثر می باشد. در زمان نوشتن این سند، پارلمان هنوز مشغول بررسی پیشنهادات نامبرده بود.

25. دفتر کمیشنر عالی در امور حقوق بشر و یوناما در گزارش خود تحت عنوان "سکوت به معنی خشونت است: بد رفتاری با زنان و دختران افغان را بس کنید" که در جولای 2009 منتشر شد، دریافت که خشونت علیه زنان در عرصه اجتماعی و شخصی هنوز بسیار گسترده و مانع شونده می باشد. این گونه خشونت به شدت در سنت، رفتار و دیگر رویکرد های جامعه افغانها در اشکال (بد دادن؛ یعنی دادن یک دختر برای حل اختلاف، قتل "ناموسی"، ازدواج اجباری و زود هنگام) ریشه نموده است که همه این ها خشونت را ترکیب داده و بر آن مشروعیت می گذارد. معافیت فرهنگی در برابر خشونت علیه زنان بدین معنی است که عاملین به ندرت مجازات میشوند و در نتیجه خشونت

علیه زنان نیز بسیار به ندرت بصورت یک جرم تلقی میشود که این گونه رویکرد در عوض تلاش ها برای محو این پدیده را به تحلیل می برد.

26. مشارکت زنان در زندگی اجتماعی هنوز هم محدود بوده و عرصه سیاسی برای زنان جهت دفاع از حقوق زنان شان منقبض شده است. نا امنی های ناشی از درگیری ها همراه با رفتار های سنتی در مورد نقش زنان در جامعه، زنان را از استفاده حق شان برای مشارکت کامل در همه عرصه های زندگی دلسرد و بی علاقه می سازد. این مسئله شامل اشتغال زنان در عرصه اجتماعی نیز میشود که گویا با نقش های سنتی مغایرت داشته و تخطی از ارزش های اجتماعی تلقی میشود. زنی که در عرصه اجتماعی کار میکند اکثراً به رفتار های "غیر اخلاقی" متهم میشود و این گونه پیام هم بیشتر توسط رهبران محافظه کار مذهبی بشمول کسانی که منافع سیاسی دارند عنوان میشود. حملات، تهدید و خشونت علیه زنان در اجتماعاتی که در دست عناصر ضد دولتی است اکثراً بیشتر اتفاق می افتد و بدون مجازات باقی میماند.

27. خشونت جنسی علیه زنان و دختران افغان در همه اشکال آن عمدتاً گزارش نمی شود. گزارش های متعدد نشان میدهد که زنان به نهاد های اعمال کننده قانون و قضایی باور خود را از دست داده و این نهاد ها را بی تأثیر، نا کارآمد و فاسد می دانند. ننگ و بدنامی بی مورد خشونت جنسی بر قربانیان نه بر عاملین و همچنان عدم دسترسی به هر نوع عدالت یا راه حل برای قربانیان به معنی این است که اعتراض علیه خشونت جنسی از سوی زنان حرام بوده و توسط نهاد های اعمال کننده قانون و جامعه افغانی هم رفع نشده است.

IV. عدالت انتقالی

28. احیای مجدد حاکمیت قانون و پایان بخشیدن به معافیت در برابر تخلفات فاحش حقوق بشر اعاده عدالت و تقویت صلح و ثبات در افغانستان حساس شمرده میشود. زمان تعیین شده برای پلان عمل صلح، عدالت و مصالحه بدون عملی نمودن بیشتر اقدامات اش در مارچ 2009 به پایان رسید. مورد مشترک هماهنگی و نظارت به مثابه یک ارگان مسئول در برابر تطبیق ستراتیژی انکشاف ملی افغانستان که پلان عمل در آن یک شاخص عمده می باشد، نتوانست تا به این مسئله پاسخ دهد و ستراتیژی مفصل برای مبارزه علیه معافیت بخاطر تخلفات گذشته و حال حقوق بشر گام های قاطعی بردارد.

29. عاملین و ناقضین حقوق بشر نه تنها از معافیت برخوردار اند، بلکه در ادارات عامه هم انتخاب شده اند. تلاش ها برای بررسی گذشته حقوق بشری نامزدان انتخاباتی به علت ناتوانی سیستم قضایی افغانستان در تطبیق ماده (14 قانون انتخابات) ناکام ماند. این ماده با صراحت میدهد که رد صلاحیت نامزدان بخاطر جرایم گذشته شان باید بر اساس ماده (3)62 قانون اساسی افغانستان باشد که در آن گفته شده: " نامزدان ریاست جمهوری نباید به جرایم علیه بشریت، عمل جنایی و یا محرومیت از حقوق مدنی از سوی یک محکمه محکوم باشند". مفاد این ماده به معاون رئیس جمهور نیز اطلاق میشود و ماده 85 این ماده چنین شرایط را برای نمایندگان پارلمان نیز فراهم می سازد. نیاز برای تغییر و اصلاح میکانیزم های بررسی زمانی آشکار میشود که افراد با اتهامات و تخلفات جدی نقض حقوق بشر خود را کاندید کند و یا به پست های ارشد دولتی انتصاب شوند. حضور این افراد به طور جدی مشروعیت و اعتبار پروسه انتخابات را زیر سوال برده و بر آینده دموکراتیک کشور سایه می افکند.

30. در ماه جولای 2009، گروه هماهنگی عدالت انتقالی مرکب از 20 نماینده سازمان های حقوق بشر، مطبوعات و گروه های قربانی یک اعلامیه مشترک را صادر نمودند و در آن از نامزدان ریاست جمهوری خواستند تا پلان عمل عدالت انتقالی را در مبارزات انتخاباتی شان بگنجانند. این گروه همچنان از نامزدان خواست تا با افراد متهم به نقض و تخلفات حقوق بشر مذاکره نکنند. یوناما قبل و بعد انتخابات علیه حضور این افراد در دولت افغانستان صحبت نموده است.

31. یوناما بخاطر مشخص نمودن ستراتیژی ها جهت پیشبرد اجندای عدالت انتقالی با دولت، جامعه مدنی و گروه های قربانی صحبت نموده است. به گونه مثال کمیشنر عالی در امور حقوق بشر یوناما فلم "اشکهای التیام بخش" را بصورت گسترده پخش نمود که در آن گفته های قربانیان ثبت شده است. این امر باعث رشد سطح آگاهی عامه و ایجاد یک فضا برای جامعه مدنی برای درخواست عدالت در به تخلفات جدی حقوق بشر گردید. در ضمن، یوناما بصورت مشترک با گروه هماهنگی عدالت انتقالی یک ورکشاپ سه روزه را در اکتوبر 2009 برگزار نمود تا جامعه مدنی را با مهارت های دادخواهی در عرصه حقوق بشر و عدالت مجهز نماید. اکثر نمایندگان نا امیدی شان را در مورد عدم حمایت سیاسی ملی و بین المللی از پلان عمل را با پیشنهاد بازنگری تقویت مجدد آن بخصوص و تأکید بر اقدامات کلیدی خاص مانند پروسه بازرسی افراد و اصلاحات عدلی جهت تحکیم حاکمیت قانون، ابزار نمودند.

32. یوناما از تنظیم نمودن گروه های قربانی بخصوص ایجاد انجمن قربانیان یکاولنگ حمایت نموده و جهت آگهی گسترده از پروسه های عدالت انتقالی حمایت تخنیکی لازم را ارایه میدارد.

33. مسئله حفاظت از گور های دسته جمعی یکی از توجهات مهم عرصه کاری یوناما در سال 2009 بود. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان بیش از 200 گور دسته جمعی ادعا شده را در مناطق مختلف کشور ثبت نمود. تا هنوز هیچ سیستم موثری برای حفاظت این مکان ها بعد از کشف آن وجود ندارد. نهاد های رسمی که وظیفه تحقیق و حفاظت از این مکان ها را دارند تا هنوز هیچ اقدام قاطعی اتخاذ ننموده اند. یوناما تلاش نمود تا میکانیزم هایی را برای پر کردن این خلاء ایجاد نماید. به مثابه یک اقدام پیگیرانه از تفاهمنامه امضاء شده در سال 2007 میان یوناما و وزارت داخله و ریاست تحقیقات جنایی این وزارت، به یک تعداد از افسران انتخاب شده آموزش داده شد تا ظرفیت طب عدلی شان رشد نماید.

34. البته یک سلسله مشکلات مانع حفاظت از گور های دسته جمعی میشود، اما در اپریل 2009 یک مأموریت داکتران حقوق بشر از سوی دفتر کمیشنر عالی در امور حقوق بشر و یوناما تمویل و حمایت شد تا از یک گور دسته جمعی کشف شده در داخل وزارت داخله ارزیابی های اولیه را انجام دهد. به دنبال این تجربه، یک پروژه دیگر با هدف تقویت ظرفیت طب عدلی غیر تخصصی در افغانستان تحت عنوان "تأمین گذشته افغانستان: یک برنامه طب عدلی جهت تقویت عدالت انتقالی و ایجاد گفتگو" به وزارت خارجه امریکا ارایه شد و در اکتوبر 2009 تصویب گردید.

35. گور های دسته جمعی در افغانستان در معرض تخریب جدی قرار دارند. در سال 2009، چهار گور دسته جمعی در ولایات بامیان، کندز و کابل کشف شد که در سه گور آن دخالت صورت گرفته بود. در بعضی موارد خانواده قربانیان گور را بدون هیچگونه نظارت یا کنترل رسمی نبش نموده و بقایای قربانی خود را بیرون کردند. در موارد دیگر، عاملین متهم به کشتار یا طرفداران پر قدرت شان سعی کرده اند تا شواهد و آثار جرم را از بین ببرند. در جولای 2009، دولت امریکا کار تحقیق در مورد کشتار طالبان توسط نیرو های ائتلاف شمال به حمایت نیرو های امریکایی را که در پایان سال 2001 در دشت لیلی کشته شده بودند، آغاز نمود. دفتر دکتوران حقوق بشر در گزارشی خبر داد که گور دسته جمعی نامبرده با هدف محو شواهد جرم تخریب شده است.

36. در زمان گزارش دهی، بحث هایی در مورد "مصالحه" ملی و چگونگی مشارکت طالبان میانه رو به مثابه یک بخشی از ستراتیژی تأمین ثبات افغانستان به راه افتاد. اما در هر گونه مذاکره با مخالفین مسلح باید تمام اصول درج شده در قانون اساسی افغانستان و تعهدات مندرج میثاق های بین المللی حقوق بشر و قانون عرفی حقوق بشر که مانع عفو در برابر جرایم جدی میشود، رعایت گردد.

V. فقر و حقوق بشر

37. افغانستان تا هنوز یکی از فقیر ترین کشور ها در جهان است که بر اساس تخمین یک سوم جمعیت آن در فقر مطلق و 37 درصد دیگر اندکی بالاتر از این خط قرار دارند. بر اساس شاخص انکشاف بشری 178 کشور در سال 2009، افغانستان در رتبه 177 قرار دارد. فقر یک مشکل چند بعدی و

پیچیده است که با چنین عامل دیگر بشمول جنگ، حکومتداری ضعیف، سوء استفاده از قدرت، عدم حسابدهی و تبعیض علیه زنان همراه می باشد.

38. تجربه ضعیف افغانها به مثابه محرومیت طولانی از منابع، انتخاب، امنیت و قدرت برای استفاده از حقوق بشری می باشد. بخاطر کاهش فقر لازم است تا به ساختار سوء استفاده جویانه نهاد های قدرت، فرصت برای انتخاب و گنجاندن افراد در پروسه تصمیم گیری، اختصاص مساویانه منابع و بهبود امنیت توجه شود. محرومیت افراد از حقوق بشر به خوبی دیده میشود که میزان بالای مرگ و میر کودکان، میزان بسیار پائین طول عمر و پیشرفت محدود در دسترسی مردم به مراقبت های صحی از نمونه های بارز این موضوع است. افغانستان دومین کشوری است که بالاترین میزان مرگ و میر مادران را دارد و از هر 100000 زن 1600 تن در زمان ولادت می میرند. این خود به کوتاهی و عدم توانایی سیستم صحی کشور در ارائه خدمات صحی به زنان اشاره می کند.

39. ستراتیژی انکشاف ملی افغانستان با اینکه مسئله حقوق بشر را برجسته می سازد اما با تمرکز بیشتر بر حقوق سیاسی و مدنی محدودتر عمل می نماید. موافقتنامه افغانستان که دستاورد کنفرانس 2006 لندن در مورد افغانستان می باشد، چهارچوبی را برای همکاری های بین المللی با افغانستان برای پنج سال آینده ایجاد نمود. با اینکه حقوق بشر با مسایل حاکمیت قانون و حکومتداری هم ردیف قرار دارد، اما این سند نتوانست ماهیت چند بعدی حقوق بشر بخصوص در عرصه اقتصاد و انکشاف اجتماعی را تصدیق کند. در ضمن پیشرفت های بررسی شده بر اساس شاخص های موافقتنامه نشان میدهد که تمرکز عمل بیشتر بر مسئله حقوق سیاسی و مدنی بوده، در حالیکه شاخص ها در بخش انکشاف اقتصادی و اجتماعی که به موضوع حقوق بشر ارتباط دارند نشان میدهد که به صورت یک حق قانونی تنظیم نشده اند.

40. در اکتوبر 2009، تیم کشوری ملل متحد در افغانستان چهارچوب کمک های انکشافی ملل متحد از سالهای 2010 تا 2013 را آغاز نمود. دورنما های حقوق بشر تحلیل های ملل متحد از چالش های انکشافی در هر سه عرصه ذیل را راهنمایی می نماید: (1) حکومتداری، صلح و ثبات. (2) معیشت پایدار (3) خدمات اولیه اجتماعی که از سوی چهارچوب کمک های انکشافی ملل متحد پوشش داده میشود. چهارچوب کمک های انکشافی ملل متحد فرصتی را فراهم می نماید تا یک بار دیگر درک ما از انکشاف حقوق بشر را بررسی نمود و حقوق اقتصادی و اجتماعی مانند حق آموزش و صحت را در آن علاوه کنیم. چهارچوب کمک انکشافی ملل متحد میداند که یکی از چالش های مهم جمع آوری اطلاعات است که حد اقل بر اساس شاخص های جنسیت، سن و گروه های عمده تقسیم بندی شده باشد، تا از این طریق بهتر بفهمیم که چه کسانی آسیب پذیر و چه کسانی منزوری شده می باشند. ملل متحد در مطابقت با اصول حسابدهی و شفافیت با رویکرد متکی به حقوق بشر از تلاش های دولت برای تقسیم بندی اطلاعات بر اساس شاخص های نامبرد حمایت می کند تا با داشتن این گونه اطلاعات بتوان پروگرام و پالیسی های بعدی را آگاهانه تنظیم نمود.

41. در سال 2009 کمیشنر عالی در امور حقوق بشر همراه با تیم کشوری ملل متحد خواهان همکاری در دو عرصه خاص شد. عرصه اول همکاری، مشارکت تیم کشوری ملل متحد در پروسه گزارش دهی به ارگان های معاهده بخصوص کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بود. گزارش کشور های عضو از سوی کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در نشست ماه می در سال 2010 در نظر گرفته میشود. عرصه دوم همکاری، پرسشنامه گزارشگر خاص ملل متحد در مورد حق غذا مربوط به واکنش نهاد های ملل متحد در افغانستان در برابر بحران جهانی غذا بود. گام های مثبت در این عرصه شامل ترسیم بهتر وضعیت امنیت غذایی و مالکیت دولت از پروسه ارزیابی آسیب پذیری بحران ملی که بخاطر تشخص و شناخت خانواده های نامصنون استفاده میشود، بود. علیرغم افزایش محصولات زراعتی در سال 2009، عدم مصونیت غذایی تا هنوز بسیار بالاست. این خود نشان دهنده ضرورت عمل نه تنها به سوی افزایش محصولات زراعتی بلکه به سوی یافتن گزینه ها برای رشد امکانات دسترسی به ابزار لازم جهت تهیه مواد خوراکی می باشد. اما موانع کلیدی تشخیص شده در برابر تأمین مواد خوراکی بدین شرح می باشد: نبود فرصت های تنوایی معیشت، اختلافات متعدد بر سر زمین که این خود مانع دسترسی به زمین های موجود میشود و نبود شبکه های رسمی مصونیت اجتماعی.

42. حق غذا بصورت واضح در هیچ یک از ستراتیژی های ملی مانند ستراتیژی انکشاف ملی، ستراتیژی ملی صحت و تغذیه و یا چهارچوب انکشاف ملی زراعت گنجانیده نشده، با اینکه چندین عنصر دیگر مانند کفایت (بسنده) و موجودیت قبلاً مشخص شده اند. باید گفت حق غذا بصورت واضح به مثابه یک تعهد در قانون اساسی افغانستان هم گنجانیده نشده است. از سوی دیگر در خصوص مالکیت دولت بر پالیسی های ملی نیز نگرانی هایی مطرح شد، زیرا تا حد زیادی به کمک ها وابسته است.

43. دفتر کمیشنر عالی در امور حقوق بشر و یوناما در سال 2009 یک سروی از حق غذا را انجام دادند و بدین نتیجه رسیدند که دسترسی به غذا در اجتماعات فقیر توسط کسانی که با قدرت ارتباط دارند به شدت متأثر میگردد. فساد در کمک های غذایی هم دسترسی کسانی را که توانایی پرداخت رشوه را ندارند محدود می سازد و عده دیگر هم به علت انتقال غذا به جا های دیگر نمی توانند غذا دریافت کنند. میان زنان و مردان تفاوت برجسته در این عرصه وجود داشته که این گونه تفاوت بر دسترسی زنان به غذای مناسب تأثیر منفی دارد.

44. این یافته ها و همچنان تحقیقات دیگر به یک مطالعه وسیعتر در مورد ابعاد حقوق بشری فقر در افغانستان سهم داشتند. این تحقیقات نشان داد که سوء استفاده از قدرت یکی از عوامل اساسی مزوی و تضعیف ساختن افغانی های که در فقر شدید زندگی می کنند، می باشد. در مجموع، فقر تصادفی و یا اجتناب ناپذیر نیست، بلکه بیشتر بر اساس روش تنظیم جامعه افغانی و چگونگی اختصاص و استفاده منابع، حسابدهی و یا عدم حسابدهی تصمیم گیرندگان آن می باشد.

VI. کمیودی های دموکراسی

الف. انتخابات

45. انتخابات ریاست جمهوری و شورا های ولایتی با وجود تشدید وضعیت امنیتی، نقض حقوق زنان و گسترش تقلب و بی نظمی های انتخاباتی برگزار شد که همه این ها مشروعیت پروسه انتخابات و نتایج آن را زیر سوال برد. علاقمندی آشکار افغانها به پروسه انتخابات طوری که کمپاین ها نشان داد شده در روز رأی دهی را انعکاس نیافت. بخش حقوق بشر یوناما در مشارکت با کمیسیون مستقل حقوق بشر در جریان برنامه نظارت بر حقوق سیاسی مردم در پروسه انتخابات سه گزارش تهیه نمودند که مرحله نامزدی، کمپاین و روز رأی دهی و همچنان پروسه بازنگری را شامل می گردید.

46. دوره نامزدی و مبارزات مطابق با قوانین و مقررات انتخاباتی بوده و بر اساس زمان تعیین شده انجام شد. دوره مبارزات انتخاباتی بصورت گسترده با روش های مختلف بشمول مناظره های سیاسی برگزار شد. در مقایسه با دور قبلی این بار تعدادی خود را کاندید نموده بودند. بطور مثال شمار زنانی که خود را برای کرسی های شورا های ولایتی نامزد نموده بودند 10 درصد کل کاندیدان شورا های ولایتی را تشکیل میداد که این خود 20 درصد بیشتر از تعداد آنها در دور قبلی انتخابات شورا های ولایتی بود.

47. این وضعیت به خوبی در کشتار، حملات و تهدید های مرتبط به انتخابات بازتاب داشت که بیشتر آن توسط عناصر ضد دولتی و یا عاملین نا شناخت علیه نامزدان، آموزگاران مدنی و کارکنان انتخاباتی صورت می گرفت. نا امنی هم آزادی جابجایی و آزادی بیان کاندیدان و حامیان آن ها را محدود ساخته و مانع توانایی آنها برای برگزاری کمپاین های آزاد در میان تجمعات مردمی و یا خانه بخانه در سراسر مراکز انتخاباتی آنها گردید. این محدودیت ها مشکلات جدی را بر آزادی تجمع و همایش های صلح آمیز بوجود آورد.

48. ضعف و ناتوانی در میکانیزم های بررسی و آزمایش بدین پندار منجر گردید که نامزدان متهم به داشتن ارتباط با گروه های مسلح غیر قانونی از لست نهایی نامزدان محو نشدند. در ضمن، سیستم

ضعیف اداری قوه قضایی نتوانست آن‌عه از کاندیدانی را که گمان میرفت عامل جرایم جدی اند مورد تحقیق و پیگرد قانونی قرار دهد.

49. روز رأی گیری با بیش از 300 حادثه امنیتی بیشترین تعداد حوادث در یک روز در طی 15 سال اخیر را نشان میداد. این حوادث شامل حملات راکتی بر مناطق اطراف مراکز رأی دهی و پوسته های امنیتی، بمب های تعبیه شده و درگیری های نظامی کوچک و حملات تهاجمی ناگهانی در جنوب، جنوب شرق و قسمت هایی از شمال و شمال شرق کشور بود. بر اساس گزارش ها در روز رأی دهی 31 فرد ملکی بشمول 11 کارمند انتخاباتی کشته شدند.

50. به علت ناامنی تعداد زیاد افغانها نتوانستند در روز انتخابات رأی دهند. این مسئله همراه با نا رضایتی از نهاد های عامه، فقط یک سوم رأی دهندگان ثبت شده بدین باور بودند که باید رأی دهند که این رقم به مراتب کمتر از شمار رأی دهندگان در سالهای 2004 و 2005 بود. مشارکت رأی دهندگان بر اساس منطقه متفاوت بود؛ در مناطق متأثر از جنگ مانند جنوب و جنوب شرق مشارکت بسیار پائین بود، اما در مناطقی با امنیت بیشتر مانند مناطق مرکزی، شمال، غرب و شمال شرق بیشتر بود. آزادی رأی دهندگان برای انتخاب یک کاندید بیشتر متأثر از رفتار کاندیدان، نمایندگان و فرماندهان محلی و عده ی از کارمندان کمیسیون مستقل انتخابات و دولت بود که رأی دهندگان را در مراکز رأی دهی راهنمایی و یا تهدید می کردند.

51. به علت نورم های اجتماعی و فرهنگی و شرایط نا امنی حقوق زنان برای ادای رأی و فعالیت در دفا تر عامه محدود گردیده. بعضی از کاندیدان زن به مرگ تهدید شدند و در مناطق محافظه کار حتی نتوانستند بخاطر کمپاین و تبلیغات انتخاباتی از محلات خود دور رفته و در عوض به تبلیغ میان گروه های کوچک در منزل ادامه دادند حتی به عوض عکس از کارت ویزیت خود به عنوان برگه های تبلیغاتی استفاده نمودند. باید گفت بعضی از کاندیدان زن بخاطر فعالیت های انتخاباتی از منابع مالی کمی برخوردار بودند. در روز رأی دهی، زنان کمتری نسبت به مردان در مراکز رأی دهی وجود داشتند. تهدید، ارباب و حمله علیه زنان اشتراک کننده در زندگی اجتماعی و تبعیض در قانون احوال شخصیه تشیع که قبل از انتخابات نافذ گردید همه این ها از نمونه های بارزی از موانع بر سر راه زنان در جامعه افغانی است.

52. اکثر رقابت های انتخاباتی به مراکز ولایتی متمرکز بوده و پوش مساویانه رسانه ی هم برای کاندیدان ریاست جمهوری از سوی رادیو تلویزیون ملی دولتی ارایه نشده است. بر اساس فرمان شورای امنیت ملی رسانه های داخلی و بین المللی از گزارش هر گونه تخلف در روز رأی دهی منع شدند که به همین ارتباط یک تعداد خبرنگار دستگیر و چوش خبری شان در روز رأی دهی منع گردید.

53. به رغم یک سلسله اقدامات جلوگیری از تخلف که قبل از انتخابات 20 اگست گرفته شده بود و اعزام ناظران مستقل به سراسر کشور، تخلفات و بی نظمی های زیادی در روز رأی دهی گزارش شده بود. این اتهامات شامل پر کردن صندوق های رأی، رأی دهی به نمایندگی افراد، رأی افراد خورده سال و استفاده از چندین کارت رأی دهی می باشد. نا امنی ها مانع حضور ناظرین در خیلی از مراکز رأی دهی در جنوب، جنوب شرق، شرق و مناطق مرکزی گردید که شکایت های زیادی از این مناطق در خصوص تخلفات بدست آمده است.

54. میزان بالای نا امنی، تخلفات شدید و تأخیر طولانی در اعلام نتایج همه این ها مشروعیت انتخابات 2009 را تخریب نموده و باعث افزایش بی اعتمادی مردم به پروسه انتخابات و خود دولت گردید. یک تعداد زیاد رأی دهندگان و کاندیدان انتخابات و نتایج آن را معتبر و قابل قبول ندانستند. اکثر رأی دهندگان بخصوص زنان بطور موثر از حق رأی محروم شدند.

ب. آزادی بیان

55. خشونت، تهدید و ارباب مداوم خبرنگاران و کارکنان مطبوعاتی توسط دولت و یا مخالفین مسلح در سال 2009 بر آزادی بیان تأثیر منفی گذاشت. خبرنگاران بخاطر اظهار دیدگاه ها و خبر های

سیاسی و مذهبی مخالف تا هنوز مورد پیگرد جنایی قرار می گیرند: به گونه مثال، بعد از انتشار یک مقاله در مورد غیب گویی یا پیش گویی دینی شش خبرنگار یک روزنامه در کابل دستگیر شدند. یک خبرنگار در سال 2008 بخاطر انتشار ترجمه یک مطلب که گویا مخالف گفته های قرآن مقدس است به 20 سال زندان محکوم شد.

56. خبرنگاران در زمان گزارش دهی از مناطق جنگی معرض خطر اختطاف قرار می گرفتند. یک خبرنگاران افغان که در ولایت کندز با همکار خارجی اش توسط طالبان ربوده شده بودند در نتیجه عملیات نجات از سوی نیروهای آیساف کشته و خبرنگار بین المللی آزاد شد.

57. به دنبال یک پروسه طولانی قانونگذاری که در اوایل 2007 آغاز شده بود، قانون رسانه ها بلاخره در جولای 2009 نافذ گردید اما نسخه این قانون جدید فقط دو ماه بعد در دسترس همه قرار گرفت. این تأخیر از سوی خیلی ها به مثابه یک عمل قصدی برای حفظ کنترول کامل رادیو تلویزیون دولتی در جریان انتخابات تفسیر شد است. بعضی از ماده های قانون جدید رسانه ها قابل نگرانی است. این مسئله شامل نبود وضاحت ممنوعیت مواد رسانه هاست که خود زمینه را برای بدرفتاری و تخلف ایجاد میکند: ماده های مشابه در قانون رسانه های 2004 جهت دستگیری و تهدید خبرنگارانی که دولت را مورد انتقاد قرار میداد، بکار میرفت. در ضمن، ترکیب و نقش دو ارگان تنظیم کننده (شورای عالی رسانه ها و کمیسیون مطبوعات) به دولت اجازه میدهد تا بر کار و تصامیم این شورا و کمیسیون تأثیر بگذارد که این خود بیطرفی و استقلال آنها را به مخاطره می اندازد.

58. در مارچ 2009، یک پروسه مشورتی چند جانبه در مورد آزادی بیان از سوی یوناما، اتحادیه خبرنگاران افغان و سازمان های مطبوعاتی برگزار گردید تا مسایل مانند دسترسی به معلومات، رعایت حاکمیت قانون (قانون رسانه ها) و همچنان شفافیت و حسابدگی را بررسی کنند. اشتراک کنندگان "اعلامیه کابل" را تصویب کردند که به مثابه یک اجندای مشترک برای اقدام همگانی جهت حفاظت از آزادی بیان، تقویت یک رسانه آزاد و افزایش مصئونیت خبرنگاران و دیگر کسانی که دیدگاه خود را بیان می کنند، است. یک کمیته مرکب از اتحادیه خبرنگاری افغانی و سازمان های رسانه ی تشکیل گردید تا بخش های مختلف این اعلامیه عملی نماید.

59. سید پرویز کامبخش، محصل خبرنگار که به اتهام اهانت به دین اسلام در سال 2007 به مرگ متهم شده بود، بعد ها جرمش به 20 سال زندان کاهش یافت و در اگست 2009 مورد عفو رئیس جمهور قرار گرفت و به خارج از کشور برده شد. آزادی او به توجه بسیار زیاد به این دوسیه در داخل و از خارج کشور نسبت داده میشود. اما معلوم نیست که آیا آزادی کامبخش نشانه ی از یک تغییر است که برای خبرنگاران و مسئله آزادی بیان و دیدگاه ارزش مثبت دارد.

VII. ظرفیت نهادی

الف. نهاد سازی

60. دفتر کمیشنر عالی در امور حقوق بشر در همکاری با کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از سال 2006 بدینسو با فعالین قضایی و قانون گذار افغان کار نمود تا اقداماتی را جهت مبارزه با بازداشت های خودسرانه ایجاد نماید. بر اساس پیشنهادات گنجانیده شده در گزارش کمیشنر عالی در امور حقوق بشر و یوناما تحت عنوان "بازداشت های خودسر در افغانستان: دعوت برای عمل" که در مارچ 2009 به نشر رسید، میز گردی در اکتوبر 2009 برگزار گردید تا همکاران افغانی راه های تشریح اطلاعات مربوط به بازداشت افراد را در زمان مناسب و بصورت درست در سطح ولایتی ایجاد نمایند.

61. دفتر کمیشنر عالی در امور حقوق بشر وزارت امور خارجه را در ارتباط به انقیاد این وزارت تحت بررسی ادواری شورای حقوق بشر کمک نمود. این گزارش با کیفیت از سوی کشور های دیگر هم

به مثابه بررسی صریح وضعیت حقوق بشر که ارایه دهنده یک دیدگاه متوازن پیشرفت ها و چالش های موجود در افغانستان است، مورد استقبال قرار گرفت. پیشنهادات شامل نیاز برای تصویب یک قانون جهت کمک به افغانستان در پاسخ به تعهدات حقوق بشری و توسعه و حفاظت حقوق زنان بخصوص بررسی قانون احوال شخصیه اهل تشیع می باشد تا این قانون بحث برانگیز با قوانین بین المللی مطابقت داشته باشد. پیشنهادات دیگر شامل حمایت قوی از کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، تقویت و حفاظت حقوق بشر در ارتباط به آزادی بیان، دسترسی به عدالت و جلوگیری از کار کودکان می باشد. به رغم درخواست مجمع عمومی برای منع مجازات اعدام، تقریباً همه پیشنهادات مربوط به حکم مرگ از سوی مسئولین افغانی پذیرفته نشد. دفتر دفتر کمیشنر عالی در امور حقوق بشر ملل متحد یوناما هنوز هم دولت افغانستان را در طرح و تنظیم یک پلان عمل برای تطبیق این پیشنهادات کمک می کند. این مسئله شامل تلاش ها جهت رشد آگاهی عامه از حکم اعدام بخصوص در پرتو نبود پروسه قانونی و ضمانت های محکمه عادلانه در افغانستان است.

62. در ارتباط به طرح گزارش کنوانسیون محو تبعیض علیه زنان دفتر کمیشنر عالی در امور حقوق بشر و یوناما حمایت تکنیکی و کمک لازم را به کمیته رهبری که بر پروسه گزارش دهی این گزارش نظارت دارد ارایه میدهد. این پروسه با هدف ارزیابی وضعیت فعلی زنان و دختران در افغانستان و مشخص نمودن خلاء ها و چالش ها در زمینه حفاظت و تقویت حقوق زنان طرح ریزی شده تا دفتر کمیشنر عالی در امور حقوق بشر بتواند عرصه های بعدی حمایت حقوق زنان در کار خود را مشخص سازد.

ب. برنامه مربی گری کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

63. جهت ایجاد تجربیات بیشتر در عرصه تحلیل و ارزیابی حقوق اقتصادی و اجتماعی که یکی از عرصه های محوری فعالیت کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان است دفتر کمیشنر عالی در امور حقوق بشر یک پروگرام مربی گری را در کابل برای کارکنان انتخاب شده کمیسیون مستقل حقوق بشر در افغانستان روی دست گرفت. این کمک تکنیکی با هدف گسترش دانش اساسی کارکنان کمیسیون در عرصه حقوق اقتصادی و اجتماعی به راه انداخته شده بود. علاوه بر گزارش سالانه خاص کمیسیون در مورد تطبیق حقوق اقتصادی و اجتماعی در افغانستان، کمیسیون مستقل حقوق بشر اولین گزارش "مستقل" خود را به کمیته حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ملل متحد ارایه نمود.

ت. وزارت عدلیه

64. در اوایل سال 2009، بخصوص با حمایت نماینده خاص سرمنشی، تمویل کنندگان منابع کافی را برای فعالیت اولین سال واحد حمایت از حقوق بشر در وزارت عدلیه تعهد نمودند که پروگرام انکشافی ملل متحد در این زمینه سازمان پیشگام می باشد. حمایت تکنیکی در واضح و قابل درک ساختن ساختار و برنامه ریزی این واحد از سوی دفتر کمیشنر عالی در امور حقوق بشر ارایه شد. واحد حمایت از حقوق بشر بخاطر ایفای یک نقش عمده در تسهیل درک مفصل و تعیین جهت حقوق بشر در تمام وزارت های مرتبط طراحی و ایجاد شده است.

ث. پیگیری پروژه اقدام 2

65. چنانچه ستراتیژی انکشاف ملی افغانستان و پلان انکشافی ولایتی هر دو جهت حمایت از تطبیق ستراتیژی انکشاف ملی طراحی شده اند، اما بخاطر عدم توجه به دستاورد های حقوق بشر مورد انتقاد قرار گرفتند و در نتیجه دفتر کمیشنر عالی در امور حقوق بشر یوناما تلاش های متعددی را بخاطر سمت دهی حقوق بشر در برنامه ریزی انکشافی روی دست گرفت. نیازمندی های مهم سرمایه گذاری بیشتر در تقویت ظرفیت نهاد های محلی در واقع بخاطر انجام موارد ذیل بود: تطبیق پالیسی و پروگرام ها در مطابقت با رویکرد متکی بر حقوق بشر؛ حمایت از دولت، جامعه مدنی، تشریک یک چهارچوب حقوق بشری میان ملل متحد و تمویل کنندگان به مثابه اساس لازم جهت هماهنگی کمک ها

66. دفتر کمیشنر عالی در امور حقوق بشر یوناما سه ورکشاپ را در مورد ایجاد رویکرد متکی بر حقوق بشر در دایکندی که یکی از فقیرترین ولایات افغانستان است، برگزار نمود. بخاطر وضعیت ضعیف انکشافی، ولایت دایکندی به مثابه یک اولویت برای کمک انکشافی ملل متحد و به مثابه یک پروژه آزمایشی برای رویکرد منسجم ملل متحد پیشنهاد شد، زیرا ظرفیت سازی مسئولین محلی یکی از پنج اولویت محوری می باشد. اشتراک کنندگان این نشست اعضای گروه کاری ولایتی بودند که در بخش حفاظت اجتماعی، آموزش و صحت و در برابر پروژه برنامه ریزی پنج ساله شان که به ستراتیژی انکشاف ملی و پلان انکشافی ولایتی دایکندی ارتباط دارد، مسئول می باشند. با وجود بهبود در ظرفیت گروه کاری سکتوری در عرصه تحلیل، پیگیری پروژه برنامه ریزی جهت تحقق یک برنامه انکشاف پایدار برای این ولایت ضروری می باشد.

VIII. جمع بندی

67. سال 2009 به عنوان یکی از پرچالش ترین سالها نمایان گشت که در آن دستاوردهای محدود حقوق بشر در بعضی عرصه ها در نتیجه عقب نشینی ها متأثر شد. افغانستان اکنون در لبه پرتگاه قرار دارد. دولت جدید برای تقویت وضعیت حقوق بشر به مثابه بخشی از اساس لازم برای صلح و رفاه در کشور با چالش های پیچیده روبرو است. در صورت احیاء اعتماد به دولت و تبدیل افغانستان به یک جامعه دموکراتیک و صلح آمیز، نگرانی های جدی حقوق بشر مانند معافیت ریشه دار، نبود حسابدهی، عدالت و حاکمیت قانون، فقر شدید و تبعیض علیه زنان باید نسبت به هر زمان دیگر سریعتر رفع گردد.

68. دولت و جامعه بین المللی هر دو باید تعهد اساسی خود را در توسعه حقوق بشر در افغانستان نمایان سازند. حقوق بشر باید یک بخش محوری در ستراتیژی های آینده برای ایجاد صلح، امنیت و اصلاحات دموکراتیک باشد. جهت رسیدن به شاخص های "حکومتداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر" موافقتنامه افغانستان به عزم و انگیزه جدید جهت عملی نمود استفاده کامل همه شهروندان افغان از حقوق بشری شان، لازم است.

IX. پیشنهادات

69. کمیشنر عالی در امور حقوق بشر پیشنهاد می نماید که:

الف. دولت افغانستان با تعهد جدی مسئولیت های خود در برابر تحقق تعهدات حقوق بشر را چنانچه در قانون اساسی و معاهدات بین المللی حقوق بشر که یکی از اعضای آن میباشد تذکر یافته، را می پذیرد. دولت و همکاران بین المللی اش باید تضمین نمایند که هر گونه مذاکره مربوط به مصالحه ملی و پروژه نهاد سازی افغانستان اولویت های حقوق بشر را به مثابه یک بخشی از پلتفورم مرکزی خود به همراه داشته باشد. مشارکت زنان و همکاران مربوطه و نمایندگان جامعه مدنی افغانی نیز باید تضمین شود.

ب. طرف های درگیر در جنگ برای اجابت قوانین بین المللی در رابطه به حفاظت افراد ملکی بشمول زنان و کودکان باید اقدامات لازم را بردارند. نیروهای طرفدار دولت باید دستور عمل های مبتنی بر کاهش اثرات جنگ بر افراد ملکی را دنبال و تقویت کنند، سیستم لازم برای پروژه قانونی و حسابدهی در رابطه به بازداشت و توقیف افراد را در زمان جنگ ایجاد کنند، و سطح آگاهی عامه را در مورد طرح تسلیت هماهنگ و بالا ببرند. باید بر عناصر ضد دولت فشار آورده تا از حملات علیه اهداف غیر نظامی و عملیات بشردوستانه و کارکنان آنها خودداری نمایند.

ت. دولت افغانستان باید تمام اقدامات لازم را بخاطر پایان بخشیدن به تبعیض علیه زنان منجمله محکوم نمودن تمام اشکال خشونت علیه زنان و دختران بردارد و در ضمن جرایم جنسی را

پیگیری کند. قانون محو خشونت علیه زنان باید تقویت گردد تا بتواند اهداف عنوان کرده را تحقق بخشیده و از توهم حقوقی و عدم قاطعیت دوری نموده و به وجه بهتر از هر زمان دیگر تطبیق و عملی شود. قانون احوال شخصیه اهل تشیع باید لغو گردد. اصلاحات حقوقی باید در پالیسی های ملی و پروگرام های که قصد تقویت زنان، تحقق و حفاظت حقوق آنها را دارد به خوبی تفسیر شود. مشارکت زنان در پروسه های تصمیم گیری مربوط به صلح و گفتگوی های صلح باید تضمین شود.

ث. دولت افغانستان و همکاران بین المللی اش باید تعهد کنند که یک ستراتیژی جامع را جهت رفع مسئله معافیت اتخاذ می کنند و تضمین میکنند که حق همه افغانها به دسترسی به عدالت، حقیقت، جبران و ضمانت عدم تکرار تخلفات جدی حقوق بشر تأمین گردد. حاکمیت قانون بشمول خود سیستم قضایی باید تقویت شود و میکانیزم های بازرسی که می تواند همه متخلفین حقوق بشر را از انتخابات پارلمانی 2010 حذف کند، باید اصلاح شود.

ج. تلاش ها جهت تضمین گنجاندن مسئله رعایت حقوق بشر بطور کامل در تطبیق ستراتیژی کاهش فقر و دیگر پالیسی های انکشافی و پروگرام ها که با هدف کاهش فقر اند، باید ادامه یابد. تدابیر جهت رفع فساد، سوء استفاده از صلاحیت و نبود حسابدگی نهاد های رسمی بر علاوه عوامل دیگری که در تبعیض و منزوی ساختن افغانهای فقیر سهم دارند، باید اتخاذ و بدون تأخیر تصویب گردند. تطبیق ستراتیژی انکشاف ملی باید با تعهدات بین المللی و ملی حقوق بشر دولت افغانستان مطابقت داشته باشد.

ح. دولت افغانستان باید گام های لازم را جهت تقویت رسانه های آزاد و مستقل به مثابه یک گام اساسی در جهت تقویت آزادی بیان بردارد و همچنان تضمین حق افغانها به دریافت اطلاعات، بردارد. این امر برای تضمین اشتراک آگاهانه و تقویت یکپارچگی انتخابات پارلمانی 2010 حساس می باشد. برای خبرنگاران باید محافظت بیشتر جهت ایفاء فعالیت های مسلکی شان در یک محیط آزاد و عاری از مداخله، تهدید و خشونت، تأمین گردد. ماده های قانون جدید رسانه های جمعی که میتواند بطور بالقوه مانع آزادی اطلاعات شود باید بررسی و اصلاح گردد.

خ. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان باید بیشتر در نقش خود به مثابه یک نهاد ملی حقوق بشر مسنول در تقویت و حفاظت حقوق بشر در افغانستان و مکمل خلاء میان دولت و جامعه مدنی تقویت و مورد حمایت قرار گیرد. دولت افغانستان باید بودجه لازم و کافی برای کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را تأمین و استقلال آن را حفظ کند.

د. از دولت افغانستان با جدیت خواسته میشود تا پیشنهادات برگرفته از بررسی ادواری جهانی شورای حقوق بشر، بخصوص پیشنهادات مربوط به مجازات اعدام را تطبیق کند. در پرتو کمبودی های جدی در سیستم عدالت جزائی، یک مهلت قانونی عمومی به مثابه اولین گام در جهت لغو کامل مجازات اعدام باید اجرا گردد.

